

ساخت صرفی فعل در گویش تاتی کجل (خلخال)

فائز جبروتی کجل^۱

چکیده

در پژوهش حاضر هدف بررسی ساخت صرفی فعل در گویش تاتی است. از این رو با استفاده از پرسشنامه و مصاحبه با گویشوران پیکره زبانی گردآوری و سپس از منابع موجود کتابخانه‌ای در زمینه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نیز استفاده می‌شود. نتایج تحقیق نشان می‌دهد گویش تاتی کجل ویژگی‌های باستانی خود را حفظ کرده است که این ویژگی‌ها در زبان فارسی از بین رفته‌اند. به دلیل همین ویژگی‌ها این گویش از زبان فارسی متمایز می‌شود. تاتی کجل یکی از گویش‌های شمال غربی ایران است که ویژگی‌هایی مانند گردش واژه‌ها در تعدادی از افعال، ساخت ارگتیو، وجه مجهول، تمایز جنس دستوری، حالت و ... را داراست.

واژه‌های کلیدی: ریشه فعل، مجهول، مصدر، وندهای فعلی، ساخت ارگتیو

۱- مقدمه

کجل، روستایی در بخش خورش رستم از توابع شهرستان خلخال در جنوب استان اردبیل و در ۷۵ کیلومتری میانه به سمت خلخال در منطقه کاملاً کوهستانی واقع شده است. این روستا در طول جغرافیایی ۴۸ درجه و ۱۰ دقیقه و عرض ۳۷ درجه و ۲۵ دقیقه قرار دارد و ارتفاع آن از سطح دریا بالغ بر ۱۹۰۰ متر است. تمامی ساکنان آبادی‌های اطراف این روستا به زبان ترکی صحبت می‌کنند. در سال ۱۳۸۹ شمار ساکنان روستای کجل بر پایه آخرین آمار سرشماری نفوس و مسکن ۴۵۵ نفر (۱۲۶ خانوار) برآورد شد. اکثر ساکنان این روستا، سالخورده و مسن‌اند و به گویش تاتی صحبت می‌کنند.

روستای کجل با وجود احاطه شدن توسط جوامع ترک زبان، بیشترین مقاومت را در برابر تاثیر پذیری از زبان ترکی داشته است و هنوز به رغم این که اکثر ساکنان این روستا ترکی را می‌فهمند و با ساکنان روستاهای همجوار به زبان ترکی ارتباط برقرار می‌کنند اما گویش اصیل ایرانی خود را حفظ کرده‌اند.

^۱ - کارشناس ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران

تاتی کجل از گویش‌های ایرانی شمال غربی است که دارای ساخت ارگتیو است و به خاطر تبعیت فعل از مفعول معنایی در شمار و شخص به ویژه جنس دستوری از سایر گویش‌های ارگتیودار متمایز است.

۲- پیشینه تحقیق

پیشینه تاریخی گویش تاتی و همچنین در این مورد که آیا تاتی گویش است یا زبان، نظرات متفاوتی ارائه شده است اما آنچه از پژوهش‌های محققان ایرانی و خارجی به دست آمده، تاتی بازمانده یکی از زبان‌های کهن ایرانی و جزء زبان‌های ایرانی غربی است که روزگاری کل منطقه آذربایجان، قزوین و گیلان به این زبان صحبت می‌کردند. البته تفاوت گویش‌های تاتی به حدی است که در عین شباهت‌های ملموس حتی ممکن است تاتی یک محل در جای دیگری از مناطق تات‌نشین اصلاً قابل فهم نباشد، و این مانع از آن است تا بتوان به راحتی تاتی را یک زبان واحد در نظر گرفت.

«تاتی» از زمانی که کسروی به بحث «زبان آذری» پرداخت، به صورت جدی مطرح شد و در واقع کتاب *آذری یا زبان باستان آذربایجان*^۱ (۱۳۰۴) که از نوشته شدنش بیش از هشتاد سال می‌گذرد شروعی برای منازعات علمی و غیر علمی متعدد بین طرفداران وجود زبان آذری و نظریه مهاجرت ترکان به آذربایجان و از طرف دیگر منکران وجود چنین زبانی و معتقدان به بومی بودن چندین هزار ساله ترکی در آذربایجان گردید که به نوعی تاتی و تات‌ها نیز در بین این مباحثات مطرح می‌شدند و می‌شوند.

اندیشه‌های کسروی راه، البته با نقدهای خاص، کسان دیگری چون محمد امین ادیب طوسی، رضا ملک زاده، منوچهر مرتضوی، یحیی ذکاء، احسان یارشاطر، عباس اقبال آشتیانی، فریدون جنیدی، منوچهر ستوده، رشید عبوضی، جمال الدین فقیه، محمد قزوینی، حسینعلی کاتبی، یحیی ماهیار نوایی، سید محمد محیط طباطبایی، محمد مقدم، ناصح ناطق، سعید نفیسی و ... در کتب و مقالات مختلف پی‌گرفتند اما آنچه مستقیماً به تاتی می‌پرداخت بسیار کم بود. در بین آنها نیز به موضوع تاریخ، فرهنگ و مردم‌شناسی «تات‌ها» بسیار کمتر پرداخته شد. در خارج از ایران هم پژوهشگرانی، از جمله آرانسکی، میلر، گیگر، درن، دیاکونف و هنینگ به بررسی تاتی پرداختند.

با وجود مطالعات و تحقیقات قابل توجه که درباره تاتی توسط پژوهشگران خارجی و ایرانی انجام گرفت، مطالعات زبانی درباره گویش تاتی کجل بسیار محدود بود. اولین کار در این زمینه، مقاله یارشاطر (۱۹۶۰) با عنوان "The Tâti dialect of Kjal" که به اختصار این گویش را توصیف کرده است و نیز پایان‌نامه کارشناسی ارشد آرادگلی (۱۳۴۹) با عنوان *بررسی واج‌شناسی*

^۱ - چاپ دوم ۱۳۱۷ و چاپ سوم ۱۳۲۵. چاپ اول با ویرایش نو این کتاب در سال ۱۳۸۵ از نشر هزار به چاپ رسیده است.

گوش تاتی دهکده کجل (خلخال) براساس روش‌های نوین زبان‌شناسی است. اما اولین اثری که به صورت جامع به سایر حوزه‌های زبان‌شناختی این گوش پرداخته است، پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده است با عنوان بررسی گوش تاتی کجل که در آن، علاوه بر مطالعه و توصیف گوش تاتی کجل در حوزه‌های مختلف، ساختمان فعل هم اجمالاً بررسی شده است. اما مقاله حاضر اولین اثری است که با نگاهی دقیق‌تر ساخت صرفی فعل در گوش تاتی کجل را بررسی خواهد کرد.

۳- روش تحقیق

روش کار در این تحقیق روش کتابخانه‌ای و نیز روش میدانی بود. در روش میدانی از پرسش‌نامه و مصاحبه با گویشوران این گوش استفاده شده است. از آنجا که نگارنده خود گویشور این گونه زبانی است، بیشتر مواد و پیکره زبانی برای نگارش این اثر بر اساس شمع زبانی گردآوری شده است و در هر جایی که داده‌ها، ناکافی و یا مشکوک به تداخل زبانی بود، برای دستیابی به صورت صحیح داده‌های زبانی با گویشوران دیگر این گوش مصاحبه انجام گرفت و این داده‌ها ثبت و به طور دقیق بررسی شد. البته نگارنده برای دقت بیشتر سعی کرده است همه موضوعات مورد نظر - حتی موضوعات بررسی شده دیگر پژوهندگان - را با مواد زبانی خود، بررسی و به صحت آنها یقین حاصل کند و بعد آن را ذکر نماید. همچنین بعد از توصیف داده‌ها، از منابع موجود کتابخانه‌ای در زمینه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نیز استفاده شده است.

۴- بررسی ساخت صرفی فعل

ریشه فعل در گوش تاتی به دو صورت ضعیف و قوی ظاهر می‌شود. در ریشه قوی واکه /-â/ قرار دارد. از ریشه قوی غالباً برای ساخت فعل‌های سببی و از ریشه ضعیف برای فعل‌های مجهول و لازم و مواقعی هم برای ساخت فعل واداری استفاده می‌شود. به عبارتی، از گردش مصوت در تاتی برای منظورهای خاصی استفاده می‌شود نمونه آن واداری کردن فعل لازم است. در زیر نمونه‌هایی از ریشه ضعیف و قوی تاتی ارائه می‌شود:

ریشه قوی	ریشه ضعیف
gârd-ən-əs(t)-an	گرداندن
vâš-ən-əs(t)-an	روشن کردن
čâr-n-əs(t)-an	چراندن

۴-۱- ماده فعل

فعل در این گویش دارای مادهٔ مضارع، ماضی، مجهول و سببی است. همه صورت‌های فعلی از ماده ماضی و مضارع به دست می‌آیند.

۴-۱-۱- مادهٔ مضارع: مادهٔ مضارع جزء ثابت فعل است که در ساخت‌های مختلف مضارع اخباری، مضارع التزامی، مضارع شرطی (تمنایی)، ماضی استمراری تمنایی، ماضی مستمر، مضارع مستمر، فعل امر و صفت فاعلی به کار می‌رود و به دو طریق از ریشه فعل به دست می‌آید:

۴-۱-۱-۱- مادهٔ مضارع که کاملاً شبیه ریشه فعل است:

معنی	مصدر	ستاک حال	ستاک گذشته
پاره کردن	zard-an	zar-	zar-d-
بریدن	börd-an	bör-	bör-d-
خوردن	hard-an	har-	har-d-
مردن	mard-an	mar-	mar-d-
شستن	šurd-an	šur-	šur-d-
نشستن	nəšt- an	nəš-	nəš-t-
دوشیدن	dušt-an	duš-	duš-t

۴-۱-۲- ستاک حال با فرایند تغییر آوایی همراه است:

معنی	مصدر	ستاک حال	ستاک گذشته
گفتن	vât-an	vâj-	vât-
شکافتن	âškât-an	âškâj-	âškât-
آموختن	âmit-an	âmij-	âmit-
برداشتن	a-gat-an	a-gir-	a-gat-
ساییدن	su-ʔan	sun	su
کشیدن روی زمین	kəri- yan	kærn	kəri
جویدن	ju-ʔan	jun	ju
درو کردن	duri-yan	durun	duri
چیدن	či-ʔân	čin	či
پاره کردن / قطع کردن	visəst-an	visən	vis

۴-۱-۲- ماده ماضی: در تاتی ماده ماضی از ریشه فعل به اضافه پسوندهای ماضی ساز -d، -t، -i، -Ø، t(əS/S)- به دست می‌آید و در ساخت‌های مختلف ماضی، صفت مفعولی، نوعی صفت فاعلی و مصدر به کار می‌رود. ماده‌های ماضی تاتی را به دو نوع می‌توان تقسیم کرد: اصلی و جعلی ۴-۱-۲-۱- اصلی: ماده ماضی اصلی که اغلب با ماده مضارع هم‌ریشه خود، امروزه رابطه قیاسی استواری ندارد. در زیر به نمونه‌هایی از ماده‌های ماضی اصلی (مختوم به -t/-d) تاتی اشاره می‌شود که رابطه دستوری آنها همچنان با ماده مضارع آنها بدون هیچ تغییری حفظ شده است. ماده‌های ماضی مختوم به /-t/:

معنی	مصدر	ماده مضارع	ماده ماضی
نشستن	nəšt-an	nəš-	nəš-t
کشتن	kušt-an	kuš-	kuš-t
دوشیدن	dušt-an	duš-	duš-t
تراشیدن	tâšt-an	tâš-	tâš-t

ماده‌های ماضی مختوم به /-d/:

معنی	مصدر	ماده مضارع	ماده ماضی
عبور کردن	viyard-an	viyar	viyar-d
بردن	bard-an	bar	bar-d
کردن	kard-an	kar	kar-d
مردن	mard-an	mar	mar-d
شستن	šurd-an	šur	šur-d

۴-۲-۱-۲- جعلی: ماده‌های جعلی که با افزودن نشانه‌هایی به آخر ماده مضارع و برخی اسم‌ها و صفت‌ها ساخته می‌شوند این نشانه‌ها عبارت‌اند از -əst و -i- در زیر شواهدی از ماده‌های جعلی در گونه‌های مختلف تاتی ارائه می‌شود.

/-əst/

این نشانه معمولاً با مصوت میانجی /ə/ همراه است.

معنی	مصدر	ماده مضارع	ماده ماضی
برگشتن	â-gard-əst-an	â-gard	â-gard-əst
شنیدن	ašnav-əst-an	ašnav	ašnav-əst
خفه شدن	â-târs-əst-an	â-târs	â-târs-əst
چسبانیدن	âškân-əst-an	âškân	âškân-əst

/i/

از این نشانه، شواهد معدودی در تاتی وجود دارد:

معنی	مصدر	ماده ماضی	ماده مضارع
خریدن	həri-[y]-an	həri	hər
دزدیدن	dəzdi-[y]-an	dəzdi	dəz

۴-۱-۳- ماده مجهول

ماده مجهول جزء ثابت فعل‌های مجهول است. ماده مجهول در تاتی از ماده مضارع به همراه *-i* ساخته می‌شود و برای ساخت مجهول مضارع و بعضی از فعل‌های لازم مضارع به کار می‌رود. فعل مجهول ماضی از ماده مجهول به اضافه پسوندهای ماضی‌ساز *-ist* به دست می‌آید و برای ساخت فعل‌های مجهول ماضی و بعضی از فعل‌های لازم به کار می‌رود، در تاتی بعضی از فعل‌های مجهول ماضی و مضارع معنی لازم نیز می‌دهند.

معنی	مجهول مضارع	معنی	مجهول ماضی
کنده می‌شود	mə-kan-isi	کنده شد	bə-kan-ist
دارد پخته می‌شود	mə-paj-isi	پخته شد	bə-paj-ist
پاره می‌شود	mə-zar-isi	پاره شد	bə-zar-ist
زده می‌شود	mə-žan-isi	زده شد	bə-žan-ist

از ماده مجهول در ساخت صفت مفعولی نیز استفاده می‌شود در زیر چند نمونه ارائه می‌شود:

بریده شده	bör-ista	گفته شده	vāj-ista
-----------	----------	----------	----------

۴-۱-۴- ماده سببی

ماده سببی از گردش واکه و یا از ریشه *+ân* ساخته می‌شود:

گرداندن	gârd-ân-əs(t)-an	جوشانیدن	göl-ân-əst-an
---------	------------------	----------	---------------

۴-۲- مصدر

مصدر در تاتی از ستاک گذشته به علاوه علامت مصدری ساخته می‌شود و از نظر ساختمان به سه دسته ساده، پیشوندی و مرکب تقسیم می‌شود. علامت مصدری در تاتی کجبل، به صورت‌های *[-an]* (پس از همخوان) و *[-yan]* (پس از واکه) است:

معنی	مصدر	ماده ماضی	علامت مصدری
رفتن	ši-yan	ši	-(y)an
باز شدن	â-bi-yan	â-be	-[y]an
شکستن	iškist-an	iškist	-an

-an	bard	bard- an	بردن
-an	voraməst	voraməst-an	گریه کردن
-an	hard	hard-an	خوردن

۳-۴- وجه فعل

فعل تاتی دارای چهار وجه اخباری، امری، التزامی، تمنایی است.

۳-۴-۱- وجه اخباری: در تاتی ماضی مطلق، ماضی نقلی، ماضی بعید، ماضی استمراری، ماضی مستمر، مضارع اخباری و مضارع مستمر و نیز فعل‌های پی‌بستی دارای وجه اخباری‌اند.

۳-۴-۲- وجه تمنایی: ماضی نقلی غیرمحقق (تمنایی) و مضارع تمنایی دارای وجه تمنایی‌اند.

۳-۴-۳- وجه التزامی: ماضی شرطی (تمنایی)، ماضی التزامی، مضارع التزامی در تاتی دارای وجه التزامی‌اند.

۳-۴-۴- وجه امری: فعل امر و نهی در تاتی دارای وجه امری است.

تمایز جنس دستوری در سوم شخص مفرد این گویش وجود دارد.

۴-۴- وندهای فعلی

وندها در این گویش به صورت پیشوند و پسوند ظاهر می‌شوند. پیشوندها به دو دسته اشتقاقی و تصریفی طبقه‌بندی می‌شوند:

۴-۴-۱- پیشوندهای اشتقاقی: وقتی این پیشوندها بر سر ماده فعلی یا مصدر افزوده می‌شوند، معانی مختلفی را القا می‌کنند.

gat-an	گرفتن	šī-yan	رفتن
a-gat-an	برداشتن	ade- šī-yan	داخل شدن
ara-gat-an	خریدن	ara- šī-yan	پایین رفتن / پیاده شدن
abar- gat-an	زیر چیزی را خالی کردن	abar- šī-yan	بیرون رفتن
â-gat-an	روشن کردن	av- šī-yan	بالا رفتن

پیشوندهای اشتقاقی فعل عبارتند از - ey- , av- , ara- , a- , ade- , abar- , jir- , â-

â- معنی حرکت به سوی مخاطب را به فعل بعد از خود می‌افزاید:

â-kard-an باز کردن (با کشیدن به طرف خود)

â-hârd-an نوشیدن

â-gat-an برداشتن

â-dišt-an مکیدن

jir- معنی «زیر» به فعل بعد از خود می‌افزاید:

jir-â-kard-en	پهن کردن یا انداختن به زیر کسی یا چیزی
jir-âšīyan	زیر بار یا زیر چیزی رفتن
jir-âmi-[y]-an	پایین آمدن
jir-âbi-yan	پهن کردن
	abar- معنی «بیرون» به فعل بعد از خود می‌افزاید:
abar-kard-an	بیرون کردن
abar-vašt-an	بیرون جستن
abar-ši-yan	بیرون رفتن
abar-xâri-yan	بیرون کشیدن
	ad(e)- معنی «درون و داخل» به فعل اضافه می‌کند:
ad(e)-šīy-an	به درون رفتن
	a- معنای «بالا یا حرکت به سوی چیزی» به فعل بعد از خود می‌افزاید:
a-gat-an	برداشتن
a-ku-əst-an	فرو کردن
a-fšând-an	پاشیدن
	ara- معنی «پایین» به فعل می‌افزاید:
ara-di-yan	فرستادن به پایین
ara-vand-an	انداختن به پایین
ara-bard-an	بلعیدن
ara-kard-an	ریختن
ara-vit-an	الک کردن
	av- معنی «بالا» به فعل می‌افزاید:
av-diyešt-an	نگاه کردن به طرف بالا
av-râdi-yan	بردن به بالا
av-râxeri-yan	کشیدن به بالا
av-târest-an	به بالا کشیدن لباس
av-tâjest-an	تلاش برای بالا رفتن از چیزی
av-vâšt-an	پریدن روی چیزی یا کسی
av-râšt-an	پهن کردن روی چیزی
	ey- گاهی معنی «پایین» و گاهی معنی «بالا» به فعل می‌دهد.

ey-vat-an

در آوردن لباس

ey-pârâst-an

افراشتن، تکیه دادن به دیوار

۴-۴-۲- پیشوندهای تصریفی: پیشوندهای تصریفی فعل تاتی عبارتند از: وند وجه، وند نمود، وند نفی.

۴-۴-۲-۱- وند وجه شامل اخباری، امری و التزامی است:

وند وجه اخباری شامل b (و نیز گونه‌های bə, bi, bu, bö, ba) و m (و نیز گونه‌های mə, mö) و (mu, mi)، وند وجه التزامی b- (و نیز گونه‌های bə, bi, bu, bö, ba) و وند وجه امری (v) b و m(a)- است.

۴-۴-۲- وند نمود اصلی به دو صورت ساده و مستمر است.

۴-۴-۳- وند نفی عبارت است از n- (و نیز ni-, nə-, na) و m- (و نیز ma-). در فعل‌هایی که وند (v) b دارند، وند نفی جایگزین وند تصریفی می‌شود. وند نفی در افعال ساده و پیشوندی قبل از فعل می‌آید.

۴-۴-۳- پیشوندهای تصریفی: پیشوندهای تصریفی در تاتی شامل وندهای شخصی و وندهای ماده ماضی‌ساز (-əst, -Ø, -i, -t, -d) است. وندهای شخصی به دو دسته شناسه‌های فعلی و ضمائر شخصی پیوسته تقسیم می‌شوند. شناسه‌های صرفی فعل شامل شناسه ماضی و مضارع می‌باشد، شناسه‌های فعلی با افعال لازم و متعدی در زمان حال و گذشته افعال لازم به کار می‌روند. ضمائر شخصی پیوسته با افعال متعدی در زمان گذشته می‌آیند:

شخص و شمار	شناسه مضارع	شناسه ماضی	ضمائر شخصی پیوسته
اول شخص مفرد	(e)m	im	-(ə)m
دوم شخص مفرد	i	-ir	-(ə)r
مذکر سوم شخص مفرد	e	-e	-(ə)š
مؤنث سوم شخص مفرد	-i[y]a	â	-(ə)š
اول شخص جمع	âm	-imân	-(ə)mân
دوم شخص جمع	â	-irân	-(ə)rân
سوم شخص جمع	ənd(ə)	-indənd(ə)	-(ə)šân

۱- منظور از-(v) b این است که بعد از وند تصریفی b- هر واکه‌ای می‌تواند بیاید. علت ایتالیک نوشتن v یا واکه (vowel) این است که با همخوان /v/ مشتبه نشود.

۴-۵- فعل از نظر زمان

در گویش تاتی فعل از نظر زمان، به دو دسته ماضی و مضارع تقسیم می‌شود، در این گویش زمان آینده ساخت ویژه‌ای ندارد و برای بیان زمان آینده از مضارع اخباری همراه با قرینه‌های نحوی استفاده می‌شود. روش ساخت فعل‌های تاتی به صورت زیر است:

- وند تصریفی + ماده ماضی + شناسه‌های فعلی (+ افزونه ٔ) ← لازم ماضی
 وند تصریفی + ماده ماضی + ضمائر متصل (+ افزونه ٔ) ← متعدی ماضی
 وند تصریفی + ماده مضارع + شناسه‌های فعلی ← لازم و متعدی مضارع
 وند تصریفی + ماده مضارع + شناسه‌های فعلی ← فعل امر

به طور خلاصه ساخت‌های مختلف فعل در گویش کج‌ل به شرح زیر است:

۴-۵-۱- ماضی ساده

پیشوند فعلی یا پیشوند وجه + ماده ماضی + شناسه‌های فعلی ← ماضی ساده لازم

منفی	مثبت	صیغه های فعلی
nə-nəšt-im	bə-nəšt-im	نشستم
nə-nəšt-ir	bə-nəšt-ir	نشستی
nə-nəšt	bə-nəšt	مذکر نشست
nə-nəšt-â	bə-nəšt-â	مؤنث نشست
nə-nəšt-imân	bə-nəšt-imân	نشستیم
nə-nəšt-irân	bə-nəšt-irân	نشستید
nə-nəšt-end	bə-nəšt-end	نشستند

پیشوند فعلی / وند تصریفی + ماده ماضی + ضمائر متصل ← ماضی ساده متعدی

منفی	مثبت	صیغه های فعلی
na-hard-əm	ba-hard-əm	خوردم
na-hard-ər	ba-hard-ər	خوردی
na-hard-əš	bə-bard-əš	خورد
na-hard-əmân	ba-hard-əmân	خوردیم
na-hard-ərân	ba-hard-ərân	خوردید
na-hard-əšân	ba-hard-əšân	خوردند

۴-۵-۲- ماضی نقلی

صفت مفعولی + شناسه‌های فعلی + (e) ← ماضی نقلی لازم

صیغه	مثبت	منفی
نشسته‌ام	nəšte-ym-e	nəšta- ni -m-e
نشسته‌ای	nəšte-yr-e	nəšta- ni -r-e
نشسته است	nəšt-e	nəšta- ni -ye
	nəštâ	nəštâ- ni -yâ
نشسته‌ایم	nəšte-ymân	nəšta- ni -mân
نشسته‌اید	nəšte-yrân	nəšte- ni -rân
نشسته‌اند	nəšt-endə	nəšt- ni -yendə

صفت مفعولی + ضمیر متصل + e ← ماضی نقلی متعدی

صیغه فعلی	مثبت	منفی
خودهام	harda-m-e	harda-m- ni (ye)
خودهای	harda-r-e	harda-r- ni (ye)
خوده است	harda-š-e	harda-š- ni (ye)
خودهایم	harda-mân-e	harda-mân- ni (ye)
خودهاید	harda-rân-e	harda-rân- ni (ye)
خوده‌اند	harda-šân-e	harda-šân- ni (ye)

۴-۵-۳- ماضی بعید

صفت مفعولی + ماضی مطلق «بودن» ← ماضی بعید لازم

صیغه های فعلی	مثبت	منفی
نشسته بودم	nəštâ beym	nəštâ nə -beym
نشسته بودی	nəštâ beyr	nəštâ nə -beyr
نشسته بود	nəštâ be	nəštâ nə -be
	nəštâ biyâ	nəštâ nə -biyâ
نشسته بوده‌ایم	nəštâ beymân	nəštâ nə -bey-mân
نشسته بودید	nəštâ beyrân	nəštâ nə -bey-rân
نشسته بودند	nəštâ bend	nəštâ nə -bend

صفت مفعولی + ضمایر متصل + be «بودن» ← بعید متعدی

منفی	مثبت	صیغه های فعلی
harda-m nə-be	harda-m be	خورده بودم
harda-r nə-be	harda-r be	خورده بودی
harda-š nə-be	harda-š be	خورده بود
harda-mân nə-be	harda-mân be	خورده بودیم
harda-rân nə-be	harda-rân be	خورده بودید
harda-šân nə-be	harda-šân be	خورده بودند

۴-۵-۴- ماضی استمراری

وند استمرار + ماده ماضی + شناسه های فعلی ← ماضی استمراری لازم

منفی	مثبت	صیغه های فعلی
nə-m(ə)-nəšt-im	mə-nəšt-im	می نشستم
nə-m(ə)-nəšt-ir	mə-nəšt-ir	می نشستید
nə-m(ə)-nəšt	mə-nəšt	مذکر نشسته بود
nə-m(ə)-nəšt-â	mə-nəšt-â	مونث
nə-m(ə)-nəšt-imân	mə-nəšt-imân	می نشستیم
nə-m(ə)-nəšt-irân	mə-nəšt-irân	می نشستید
nə-m(ə)-nəšt-endə	mə-nəšt-endə	می نشستند

وند تصریفی + ماده ماضی + ضمایر متصل ← ماضی استمراری متعدی

منفی	مثبت	صیغه های فعلی
nə-ma-hard-əm	ma-hard-əm	می خوردم
nə-ma-hard-ər	ma-hard-ər	می خوردی
nə-ma-hard-əš	ma-hard-əš	می خورد
nə-ma-hard-əmân	ma-hard-əmân	می خوردیم
nə-ma-hard-ərân	ma-hard-ərân	می خوردید
nə-ma-hard-əšân	ma-hard-əšân	می خوردند

۴-۵-۵- ماضی مستمر

نمودنمای *kâri* + ماضی استمراری فعل اصلی ← ماضی مستمر

صیغه های فعل لازم	مثبت	منفی
داشتم می نشستم	<i>kâri-mə-nəšt-im</i>	<i>kâri-nə-m(ə)-nəšt-im</i>
داشتی می نشستی	<i>kâri-mə-nəšt-ir</i>	<i>kâri-nə-m(ə)-nəšt-ir</i>
داشت می نشست	<i>kâri-mə-nəšt-ø</i>	<i>kâri-nə-m(ə)-nəšt</i>
داشتیم می نشستیم	<i>kâri-mə-nəšt-â</i>	<i>kâri-nə-m(ə)-nəšt-â</i>
داشتید می نشستید	<i>kâri-mə-nəšt-imân</i>	<i>kâri-nə-m(ə)-nəšt-imân</i>
داشتند می نشستند	<i>kâri-mə-nəšt-irân</i>	<i>kâri-nə-m(ə)-nəšt-irân</i>
	<i>kâri-mə-nəšt-endə</i>	<i>kâri-nə-m(ə)-nəšt-endə</i>
صیغه های فعل متعدی	مثبت	منفی
داشتم می خوردم	<i>kâri-ma-hard-əm</i>	<i>kâri-nə-ma-hard-əm</i>
داشتی می خوردی	<i>kâri-ma-hard-ər</i>	<i>kâri-nə-ma-hard-ər</i>
داشت می خورد	<i>kâri-ma-hard-əš</i>	<i>kâri-nə-ma-hard-əš</i>
داشتیم می خوردیم	<i>kâri-ma-hard-əmân</i>	<i>kâri-nə-ma-hard-əmân</i>
داشتید می خوردید	<i>kâri-ma-hard-ərân</i>	<i>kâri-nə-ma-hard-ərân</i>
داشتند می خوردند	<i>kâri-ma-hard-əšân</i>	<i>kâri-nə-ma-hard-əšân</i>

۴-۵-۶- ماضی نقلی غیرمحقق (تمنایی)

صفت مفعولی + *bây* + شناسه فعلی ← ماضی نقلی غیرمحقق لازم

صیغه های فعلی	مثبت	منفی
اگر نشسته بودهام	<i>nəšta bāy-m-e</i>	<i>nəšta nə-bāy-m-e</i>
اگر نشسته بوده‌ای	<i>nəšta bāy-r-e</i>	<i>nəšta nə-bāy-r-e</i>
اگر نشسته بوده	<i>nəšta bāy</i>	<i>nəšta nə-bāy</i>
است	<i>nəšta bāya</i>	<i>nəšta nə-bāya</i>
اگر نشسته بوده‌ایم	<i>nəšta bāy-mân</i>	<i>nəšta nə-bāy-mân</i>
اگر نشسته بوده‌اید	<i>nəšta bāy-rân</i>	<i>nəšta nə-bāy-rân</i>
اگر نشسته بوده‌اند	<i>nəšta bāyendə</i>	<i>nəšta nə-bāyendə</i>

صفت مفعولی + ضمایر شخصی + *bây* ← ماضی نقلی غیرمحقق متعدی

صیغه های فعلی	مثبت	منفی
اگر خورده بوده‌ام	<i>harda-m bây</i>	<i>harda-m nă-bây</i>
اگر خورده بوده‌ای	<i>harda-r bây</i>	<i>harda-r nă-bây</i>
اگر خورده بوده‌است	<i>harda-š bây</i>	<i>harda-š nă-bây</i>
اگر خورده بوده‌ایم	<i>harda-mân bây</i>	<i>harda-mân nă-bây</i>
اگر خورده بوده‌اید	<i>harda-rân bây</i>	<i>harda-rân nă-bây</i>
اگر خورده بوده‌اند	<i>harda-șân bây</i>	<i>harda-șân nă-bây</i>

۴-۵-۷- ماضی التزامی

صفت مفعولی + *bey* + شناسه‌های فعلی ← ماضی التزامی لازم

صیغه های فعلی	مثبت	منفی
بنشینم / نشینم	<i>bă-năš-əm</i>	<i>nă-năš-əm</i>
بنشینی / نشینی	<i>bă-năš-i</i>	<i>nă-năš-i</i>
بنشیند / نشیند	<i>bă-năš-ə</i>	<i>nă-năš-ə</i>
مذکر مونث	<i>bă-năš-īya</i>	<i>nă-năš-īya</i>
بنشینیم / نشینیم	<i>bă-năš-âm</i>	<i>nă-năš-âm</i>
بنشینید / نشینید	<i>bă-năš-â</i>	<i>nă-năš-â</i>
بنشینند / نشینند	<i>bă-năš-ənd(ə)</i>	<i>nă-năš-ənd(ə)</i>

صفت مفعولی + ضمایر متصل + *bey* «بودن» ← ماضی التزامی متعدی

صیغه های فعلی	مثبت	منفی
بخورم / نخورم	<i>b-a:r-əm</i>	<i>n-a:r-əm</i>
بخوری / نخوری	<i>b-a:r-i</i>	<i>n-a:r-i</i>
مذکر مونث	<i>b-a:r-ə</i>	<i>n-a:r-ə</i>
بخورد / نخورد	<i>b-a:r-īya</i>	<i>n-a:r-īya</i>
بخوریم / نخوریم	<i>b-a:r-âm</i>	<i>n-a:r-âm</i>
بخورید / نخورید	<i>b-a:r-â</i>	<i>n-a:r-â</i>
بخورند / نخورند	<i>b-a:r-ən(də)</i>	<i>n-a:r-ən(də)</i>

۴-۵-۸- ماضی التزامی بعید

صفت مفعولی + *biya* + *bây* + شناسه فعلی ← ماضی التزامی بعید لازم

منفی	مثبت	صیغه های فعلی
<i>nəšta biya nə-bây-m</i>	<i>nəšta biya bây-m</i>	اگر نشسته بوده باشم
<i>nəšta biya nə-bây-r</i>	<i>nəšt ش biya bây-r</i>	اگر نشسته بوده باشی
<i>nəšta biya nə-bây</i>	<i>nəšta biya bây</i>	مذکر اگر نشسته بوده باشد
<i>nəšta biya nə-bây-a</i>	<i>nəšta biya bây-a</i>	مؤنث اگر نشسته بوده باشم
<i>nəšta biya nə-bây-mân</i>	<i>nəšta biya bây-mân</i>	اگر نشسته بوده باشید
<i>nəšta biya nə-bây-rân</i>	<i>nəšta biya bây-rân</i>	اگر نشسته بوده باشید
<i>nəšta biya nə-bâynd</i>	<i>nəšta biya bâynd</i>	اگر نشسته بوده باشند

صفت مفعولی + ضمایر متصل + *biya* + *bây* ← ماضی التزامی بعید متعدی

منفی	مثبت	صیغه های فعلی
<i>harda-m biya nə-bây</i>	<i>harda-m biya bây</i>	خورده بوده باشم
<i>harda-r biya nə-bây</i>	<i>harda-r biya bây</i>	خورده بوده باشی
<i>harda-š biya nə-bây</i>	<i>harda-š biya bây</i>	خورده بوده باشد
<i>harda-mân biya nə-bây</i>	<i>harda-mân biya bây</i>	خورده بوده باشم
<i>arda-rân biya nə-bây</i>	<i>arda-rân biya bây</i>	خورده بوده باشید
<i>harda-šân biya nə-bây</i>	<i>harda-šân bey</i>	خورده بوده باشند

۴-۵-۹- مضارع اخباری

وند تصریفی + ماده مضارع + شناسه های فعلی ← مضارع اخباری

منفی	مثبت	صیغه های فعلی (لازم)
<i>nə-m-nəš-əm</i>	<i>mə-nəš-əm</i>	می نشینم / نمی نشینم
<i>nə-m-nəš-i</i>	<i>mə-nəš-i</i>	می نشینی / نمی نشینی
<i>nə-m-nəš-ə</i>	<i>mə-nəš-ə</i>	مذکر می نشیند / نمی نشیند
<i>nə-m-nəš-iya</i>	<i>mə-nəš-iya</i>	مؤنث می نشینید / نمی نشینید
<i>nə-m-nəš-âm</i>	<i>mə-nəš-âm</i>	می نشینیم / نمی نشینیم
<i>nə-m- nəš-â</i>	<i>mə-nəš-â</i>	می نشینید / نمی نشینید
<i>nə-m- nəš-ənd(ə)</i>	<i>mə-nəš-ənd(ə)</i>	می نشینند / نمی نشینند

۴-۵-۱۰- مضارع التزامی

وند تصریفی -b(v) + ماده مضارع + شناسه‌های فعلی ← مضارع التزامی

صیغه های فعلی	مثبت	منفی
بنشینم / نشینم	bə-nəš-əm	nə-nəš-əm
بنشینی / نشینی	bə-nəš-i	nə-nəš-i
بنشیند / نشیند	bə-nəš-ə	nə-nəš-ə
مذکر		
بنشینید / نشینید	bə-nəš-iyā	nə-nəš-iyā
مونث		
بنشینیم / نشینیم	bə-nəš-ām	nə-nəš-ām
بنشینید / نشینید	bə-nəš-ā	nə-nəš-ā
بنشینند / نشینند	bə-nəš-ənd(ə)	nə-nəš-ənd(ə)

۴-۵-۱۱- مضارع تمنایی

وند وجه -b(v) + ماده مضارع + -ā- + شناسه‌های فعلی ← مضارع تمنایی

صیغه های فعلی	مثبت	منفی
بنشینم / نشینم	bə-nəš-ā-ym	nə-nəš-ā-ym
بنشینی / نشینی	bə-nəš-ā-yr	nə-nəš-ā-yr
بنشیند / نشیند	bə-nəš-ā-y	nə-nəš-ā-y
مذکر		
بنشینید / نشینید	bə-nəš-ā-ya	nə-nəš-ā-ya
مونث		
بنشینیم / نشینیم	bə-nəš-ā-ymân	nə-nəš-ā-ymân
بنشینید / نشینید	bə-nəš-ā-yrân	nə-nəš-ā-yrân
بنشینند / نشینند	bə-nəš-ā-ynd(ə)	nə-nəš-ā-ynd(ə)

۴-۵-۱۲- مضارع مستمر

-kâri- + مضارع اخباری ← مضارع مستمر

صیغه های فعلی	مثبت	منفی
دارم می نشینم / دارم نمی نشینم	kâri-mə-nəš-əm	kâri-nə-mə-nəš-əm
داری می نشینی / داری نمی نشینی	kâri-mə-nəš-i	kâri-nə-mə-nəš-i
دارد می نشیند / دارد نمی نشیند	kâri-mə-nəš-ə	kâri-nə-mə-nəš-ə
مذکر		
مونث		
داریم می نشینیم / داریم نمی نشینیم	kâri-mə-nəš-ām	kâri-nə-mə-nəš-ām
دارید می نشینید / دارید نمی نشینید	kâri-mə-nəš-ā	kâri-nə-mə-nəš-ā
دارند می نشینند / دارند نمی نشینند	kâri-mə-nəš-ənd(ə)	kâri-nə-mə-nəš-ənd(ə)

۴-۵-۱۳- فعل امر و نهی

پیشوند تصریفی -b(v) یا اشتقاقی + ماده مضارع + شناسه فعلی ← فعل امر

be-nivis	بنویس	bâ-hân	بخوان	صیغه مفرد
be-nivisâ	بنویسید	bâ-hânâ	بخوانید	صیغه جمع

پیشوند تصریفی -m- / ma- + ماده مضارع + شناسه فعلی ← فعل نهی

m-ara-gi	نگیر	m-abar-ka	بیرون نکن.
----------	------	-----------	------------

۴-۶- فعل معین

تنها فعل معین تاتی کجل biyan «بودن» و «شدن» است. این فعل علاوه بر شکل پی‌بستی و ربطی، به عنوان فعل معین در صرف فعل‌های ماضی تمنایی، ماضی التزامی، ماضی بعید و فعل‌های غیر-شخصی استفاده می‌شود و صورت دیگری فعل biyan، شکل â-bašə است، که ماضی آن âbest «شد» است.

۴-۷- افعال شبه معین

افعالی مانند zânəstan (توانستن)، bəga/(me)gahast (بایستن)، gavəstan (خواستن)، mə- (امکان داشتن) و ... افعال شبه معین‌اند که همراه دیگر افعال می‌آیند و مفاهیم «تمایل»، «امکان»، و «لزوم» و جز آن را در وقوع آنها القا می‌کنند.

۴-۸- فعل از نظر ساخت

فعل در گویش تاتی کجل از نظر ساخت به سه دسته ساده، پیشوندی و مرکب تقسیم می‌شود. فعل مرکب از ترکیب یک اسم، صفت و قید با یک فعل ساده یا پیشوندی ساخته می‌شود.

ta:r kard-an	قهر کردن	nâxüş âbi-yan	مریض شدن
fər di-yan	پرت کردن	pilla âbi-yan	بزرگ شدن
garm âkard-an	گرم کردن	dör âbi-yan	دور شدن

۴-۹- تطابق فاعل و فعل از نظر شخص، شمار و جنس

گویش تاتی کجل دارای ساخت ارگتیو است در نتیجه تطابق فاعل و فعل با توجه به زمان جمله (گذشته و حال) و نوع فعل به لحاظ لازم و متعدی، متفاوت است. در ساخت ارگتیو، فعل از نظر شخص و شمار و جنس به جای فاعل (عامل) از مفعول تبعیت می‌کند.

درباره تطابق فاعل و فعل از نظر شخص، شمار و جنس در گویش تاتی کجل می‌توان به

موارد زیر اشاره کرد:

۴-۹-۱- فاعل (جاندار و غیر جاندار) و فعل‌های لازم از نظر شخص، شمار و جنس با یکدیگر مطابقت می‌کنند:

ali be-nešt.	علی نشست. (مفرد مذکر)
minâ be-nešt-â.	مینا نشست. (مفرد مونث)
ava ara-gat-â.	او (مونث) افتاد.
ave be-ššænd.	آنها رفتند.

۴-۹-۲- فاعل (جاندار و غیر جاندار) و فعل‌های متعدی در زمان حال از نظر شخص، شمار و جنس با یکدیگر مطابقت می‌کنند:

a've	mâsen	ara-n-gir-ænd.	آنها ماشین می‌خرند.
فعل (جمع)	مفعول (مفرد)	فاعل (جمع)	
av	pas-e sar	mö-bör-ə.	او (مذکر) سر گوسفند را می‌برد.
فعل (مذکر)	مفعول (مونث)	فاعل (مذکر)	
ava	libâs	mu-duji-ya	او (مونث) لباس می‌دوزد.
فعل (مونث)	مفعول	فاعل (مونث)	

۴-۹-۳- در ساخت ارگنیو این گویش، فعل از نظر شخص و شمار و جنس به جای فاعل (عامل) از مفعول تبعیت می‌کند:

aman	livan-a	bi-škist-â.	من لیوان را شکستم.
فاعل (مفرد مونث)	مفعول (مفرد مونث)	عامل	
ave	ketâb-ə	be-bard-ænd.	او کتاب‌ها را برد.
فعل (جمع)	مفعول (جمع)	عامل (مفرد)	
gow-ân	liv-a	ba-hard-â.	گاوها برگ را خوردند.
فعل (مفرد مونث)	مفعول (مفرد مونث)	عامل (جمع مذکر)	
šemə	av	be-bard.	شما او (مذکر) را بردید.
فعل (مفرد مذکر)	مفعول (مفرد مذکر)	عامل (جمع)	

۵- نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب ارائه شده در این تحقیق می‌توان نتیجه گرفت که گویش تاتی کجیل برخی ویژگی‌هایی را در خود حفظ کرده است که در زبان فارسی از بین رفته‌اند. مهم‌ترین ویژگی‌هایی که این گویش را از فارسی متمایز می‌سازند عبارتند از:

- ۱- گردش واژه‌ها در تعدادی از افعال حفظ شده است.
- ۲- این گویش دارای ساخت ارگنیو است یعنی حالت دستوری که در آن عامل فعل‌های متعدی در زمان گذشته به شکل غیر فاعلی و مفعول به شکل فاعلی ظاهر شده و فعل از نظر شخص و شمار و جنس به جای عامل از مفعول تبعیت می‌کند.

- ۳- این گویش از تمایز جنس دستوری برخوردار است که جنس مونث با پسوند a(y)- نشان داده می‌شود. برای اسم مذکر و اسم جمع، نشانه خاصی برای تمایز جنس وجود ندارد.
- ۵- وجه مجهول افعال به وسیله یک ساخت ثانوی بیان می‌شود یعنی ستاک مجهول حال با اضافه کردن تکواژ -isi به ستاک حال متعدی و ستاک مجهول گذشته با اضافه کردن تکواژ -ist به ستاک حال متعدی ساخته می‌شود.
- ۶- در گویش تاتی، صرف فعل از نظر زمان با توجه به نوع فعل یعنی لازم و متعدی متفاوت است و با زبان فارسی کاملاً فرق دارد.

منابع

- آرادگلی، ماری (۱۳۴۹) بررسی واج‌شناسی گویش تاتی دهکده کجل (خلخال) براساس روش‌های نوین زبان‌شناسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- آل احمد، جلال (۱۳۵۳)، تات نشین‌های بلوک زهره، تهران:
- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۷۳)، ماده‌های فعل‌های فارسی دری، تهران: انتشارات ققنوس.
- ارانسکی، ی.م. (۱۳۷۸)، زبان‌های ایرانی، ترجمه علی‌اشرف صادقی، تهران:
- پورمحمدی املشی، نصرالله (۱۳۸۳)، «بررسی تاریخی معنا و کاربرد واژه تات»، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی ایران‌شناسی، تهران:
- جیروتی، فائز (۱۳۹۰)، بررسی گویش تاتی کجل (خلخال)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، به راهنمایی دکتر ایران کلباسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران.
- رضایتی کیشه‌خاله، محرم و جهان دوست سبزیلیور (۱۳۸۶)، «ساخت ارگتیو در گویش تاتی خلخال»، فصلنامه ادب‌پژوهی، سال اول، شماره اول، ص ۸۹-۱۰۵.
- سبزیلیور، جهان‌دوست (۱۳۸۹)، زبان تاتی (توصیف گویش تاتی رودبار)، رشت: فرهنگ ایلیا.
- (۱۳۸۸)، بررسی تطبیقی ساخت فعل در گویش‌های تالشی، تاتی خلخال و گیلکی، پایان‌نامه دکترا، به راهنمایی دکتر محرم رضایتی، دانشگاه گیلان.
- سهیلی، ابوالقاسمی (۱۳۵۸)، «تطابق فعل و مفعول در گویش‌های ایران» به کوشش محمد روشن، مجموعه مقالات هشتمین کنگره تحقیقات ایرانی، صص ۲۸-۴۲.
- صادقی، علی‌اشرف (۱۳۷۹)، نگاهی به گویش‌نامه‌های ایرانی، تهران:
- طاهری، عباس (۱۳۷۱)، «گویش تاتی تاکستان»، مجله زبان‌شناسی، تهران، ج ۹، ش ۱.
- کسروی، احمد (۱۳۵۲)، کاروند، به کوشش یحیی ذکاء، تهران:
- کلباسی، ایران (۱۳۸۸)، فرهنگ توصیفی گونه‌های زبانی ایران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.

----- (۱۳۷۶)، گویش کلاردشت (رودبارک)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.

----- (۱۳۸۴)، «ویژگیهای کهن زبانی در گویش سمنانی» به کوشش عصمت اسماعیلی و مصطفی جباری، مجموعه مقالات گویش سمنانی، صص ۲۹۷-۳۱۲.

----- (۱۳۷۶)، «ارگتیو در گویش‌ها و زبان‌های ایرانی»، مجله *زبان‌شناسی*، سال ۵، شماره ۲، صص ۷۰-۸۷.

- معراجی لرد، جواد (۱۳۷۷)، *زبان تاتی در شاهرود خلخال*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، واحد مرکزی؛ به راهنمایی برات زنجانی.

- یحیی‌زاده، سید اکبر (۱۳۸۲)، بررسی زبان‌شناختی گویش تاتی شاهرود خلخال، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه شیراز، به راهنمایی محمود رضا دستغیب.

- A. Yar-Shatter (1969), *A Grammar of Southern Tati Dialects*, Paris: The Hague

----- (1960), "The Tati Dialect of Kajal", *BSOAS*, 23, pp. 275-286;

- Campbell, G.L. (1991), *Compendium of the World's Languages*, London, Iranica;

- Stilo, D.L. (1981), "The Tati Language Group in the Sociolinguistic Context of Northwestern Iran and Transcaucasia", *Iranian Studies*, vol. XIV.

 ل س د ا ل